

معناشناسی واژه «زعم» در قرآن با تکیه بر نظریه ایزوتسو

علی اکبر نورسیده* / سید رضا میراحمدی** / ابوالفضل ترابی***

چکیده

برخی از واژگان قرآنی، مانند شک، زعم، ظن، مریه، ریب و... علی‌رغم قرابت معنایی، دارای ابعاد متفاوتی هستند و گاهی اوقات مترجمان را در ترجمه با خطا مواجه می‌کنند. یکی از روش‌های مناسب برای رسیدن به معنای دقیق کلمات قرآن، استفاده از روش معناشناسی است. شناخت معنای درست واژه‌ها منجر به ارائه ترجمه‌ای مناسب می‌شود. یکی از روش‌های ایزوتسو در معناشناسی، بررسی میدان معنایی است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، بر مبنای نظریه ایزوتسو تلاش دارد میدان معنایی واژه «زعم» را واکاوی کند. ابتدا پژوهشگران برای بررسی تطوّر معنایی طبق نظریه ایزوتسو، سراغ اشعار جاهلی رفته‌اند. سپس با تعیین واژه‌های کانونی، کلیدی و فرعی، روابط معنایی این میدان را مشخص کرده و توزیع تکرار واژه «زعم» و مشتقات آن را در سوره‌های مکی و مدنی مورد بررسی قرار داده‌اند. پس از انجام پژوهش مشخص شد بعد از نزول قرآن، بُعد بطلان در آحاد معنایی واژه زعم پررنگ‌تر شده، معنای صحیح آن، گمان باطل است و ذکر واژه «باطل»، تأثیر زیادی در ترجمه دارد. این بُعد معنایی با توجه به تکرار بیشتر مشتقات «زعم» در سوره مکی به دلیل گره خوردن محتوا با اصول دین، در مقایسه با سوره مدنی که محتوای آن‌ها غالباً احکام، امور اجتماعی و... است، قابل توجه می‌باشد.

کلیدواژه: قرآن، معناشناسی، ایزوتسو، زعم، گمان باطل.

۱. مقدمه و طرح مسئله

بررسی معناسانانه واژه‌های قرآن، به ترجمه کلمه‌ها و فهم متن کمک می‌کند. ایزوتسو (۱۹۱۴-۱۹۹۳م)، زبان‌شناس ژاپنی، در زمینه معناسازی قرآن فعالیت کرده است. با مبانی نظری وی می‌توان برخی از مفاهیم اخلاقی را در قرآن طبقه‌بندی کرد و برای شکل‌گیری جهان‌بینی اسلامی از آن بهره برد.

از جمله مفاهیم قرآنی که قابلیت طبقه‌بندی دارد، «مراتب اطمینان» است. درستی و نادرستی مطلق، دو مفهوم متضاد هستند که می‌توان آن‌ها را دو سر یک محور فرضی در نظر گرفت. میزان ترکیب و نقش درستی یا نادرستی در یک اتفاق، اعتقاد، گزارش و خبر، مفاهیمی چون یقین، شک، ردّ و... را به ذهن متبادر می‌کند که در آن‌ها میزان درستی و نادرستی متفاوت است و تأثیر زیادی در ترجمه دارد؛ بنابراین باید معادل درست آن‌ها را به کار برد.

یکی از کلمات کانونی که بر ترجمه برخی از آیات قرآن تأثیر می‌گذارد، واژه «زعم» است. در ترجمه‌های قرآن، معادل‌هایی چون تصوّر، گمان، شک، تردید و... برای این واژه دیده می‌شود که کاربرد برخی از آن‌ها به دلیل عدم تطابق با مفهوم «زعم»، درست نیست.

از آنجا که ایزوتسو در روش خود برای تطوّر معنایی لغات، سه دوره جاهلی، قرآن و عباسی را در نظر می‌گیرد، این پژوهش تلاش دارد همین روش را در بررسی تطوّر معنایی واژه «زعم» دنبال کند. آیات مشتمل بر مشتقات «زعم» استخراج شده و در مرحله بعد، بسامد مشتقات در سوره‌ها به تفکیک مکی و مدنی بررسی و تحلیل گردیده است. در ادامه، با بهره‌گیری از روابط میان واژگان میدان معنایی (از روش‌های هفت‌گانه ایزوتسو) معنای دقیق واژه «زعم» به دست آمده است.

لازم است خوانندگان محترم به دو نکته توجه کنند؛ یکی آنکه، هر جا عبارت «واژه زعم» به کار رفته، منظور ما ریشه «زعم» و مشتقات آن است. دیگر آنکه، در آیات و عبارات قرآنی، از ترجمه مکارم شیرازی بهره گرفته شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در گذشته، پژوهش‌هایی در خصوص معناشناسی واژه‌ها براساس روش ایزوتسو صورت پذیرفته که هر یک نتایج متفاوتی را به همراه داشته، ولی درباره واژه «زعم» تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ از این رو، این پژوهش در نوع خود بدیع می‌باشد. در ادامه به برخی از پژوهش‌ها و نتایج آن‌ها اشاره می‌شود:

ایزوتسو، دو کتاب با نام‌های مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید و خدا و انسان در قرآن تألیف کرده که در آن به صورت مبسوط نظریه و روش معناشناسی خود را شرح داده و به معناشناسی برخی از واژه‌های قرآنی پرداخته است.

«نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن»، مقاله‌ای است از محمد کاظم شاکر (۱۳۸۴) که در آن به این نتیجه رسیده است که شکی را می‌توان هم‌مرز کفر دانست که از مصادیق ریب، مریه یا جهل تقصیری باشد، نه صرف تردید ذهنی یا روانی درباره گزاره‌های دینی. علی‌رغم کاربردهای قرآن برای واژه «زعم»، نویسنده اشاره نکرده که آیا «زعم» هم‌مرز کفر است یا خیر.

نورسیده و ترابی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه «مریه» و مشتقات آن در قرآن کریم براساس نظریه ایزوتسو»، به ارزیابی معناشناسی واژه «مریه» و مشتقات آن در قرآن کریم براساس نظریه ایزوتسو پرداخته و با توجه به تطوّر معنایی این واژه، معنای «شک لجوجانه» را برای آن در قرآن پیشنهاد کرده‌اند. بنابراین دیدگاه نگارندگان درباره واژه «مریه» از نظر داشتن مؤلفه‌های معنایی منفی، با نظر محمد کاظم شاکر که «مریه» را هم‌مرز با کفر می‌داند، مشترک است؛ اما در مقاله آنان اشاره‌ای به اشتراک یا افتراق مؤلفه‌های معنایی «مریه» و «زعم» نشده است.

طیب حسینی (۱۳۹۰) در مقاله «معناشناسی واژه ظنّ در قرآن کریم» به این نتیجه رسیده است که اصلی‌ترین معنای این واژه در فرهنگ عربی، احتمال نسبت به امری است و همان‌گونه که بسیاری از لغویان گزارش کرده‌اند، این واژه در دو معنای شک و یقین (اطمینان) به کار رفته و در زمره کلمات اضداد است. روحی برندق و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوی و ارزیابی مفردات قرآن، مطالعه موردی: ماده ظنّ» معتقدند واژه «ظنّ» از اضداد نیست. این مقاله، «ظنّ» را از ترجمه مترجمان قرآن به گمان معتبر و گمان غیرمعتبر تقسیم می‌کند و از روی ذات کلمه به دنبال معنای آن نیست.

۲-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر براساس پرسش‌های زیر استوار است:

- روابط معنایی میان واژه‌های میدان معنایی «زعم» چگونه است؟
- معنای صحیح واژه «زعم» براساس نظریه ایزوتسو چیست؟
- بسامد استعمال واژه «زعم» در سوره‌های مکی و مدنی چگونه است؟
- در پاسخ به سؤالات پیش گفته، فرضیات به شرح زیر است:
- مهم‌ترین رابطه در میدان معنایی «زعم»، رابطه همنشینی است و واژه «الله» کانونی‌ترین واژه این میدان است.
- به نظر می‌رسد معنای صحیح واژه زعم، «گمان باطل» است.
- آن‌گونه که پیداست، واژه زعم در سوره‌های مکی بیشتر تکرار شده است.

۲. مبانی نظری ایزوتسو

ایزوتسو با نگارش دو کتاب پیش گفته، پیوندی میان زبان‌شناسی و معناشناسی واژگان قرآنی برقرار کرده و با استفاده از روابط معنایی میان کلمات و انواع آن‌ها در یک میدان معنایی (کانونی، کلیدی و فرعی)، روش متفاوتی را در معناشناسی ارائه نموده است.

وی در خصوص کتاب مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید می‌گوید: «می‌خواهم کاری کنم که قرآن به زبان خود سخن گوید و خود، مفاهیمش را تفسیر و تعبیر کند» (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۸).

ایزوتسو معتقد است «سه مقوله متفاوت از مفاهیم اخلاقی در قرآن وجود دارد: ۱. مقوله‌ای که درباره طبیعت اخلاقی خداوند است و آن را توصیف می‌کند؛ ۲. مقوله‌ای که جنبه‌های مختلف، نظر و بینش آدمی را نسبت به ذات باری تعالی - خالق خود- وصف می‌نماید؛ ۳. مقوله‌ای که درباره اصول، قواعد و قوانین رفتاری‌ای بحث می‌کند که روابط اخلاقی میان افراد یک جامعه را نظم و ترتیب می‌بخشد».

وی برای روشن کردن معنای واژه‌ای، به تحلیل اوضاع و احوال اجتماعی و بررسی اسناد و مدارک تاریخی پرداخته، حتی بر آرا و نظریات دیگران تکیه می‌کند و مهم‌تر از آن، می‌کوشد مفاهیم اخلاقی- دینی قرآن مجید را به زبانی دیگر و به یاری مقولات آن زبان، تفسیر، تعبیر و ترجمه کند. وجه دوم نظر ایزوتسو، اعتقاد او به «متن‌گرایی» است؛ یعنی معنای الفاظ با توجه به متنی که در آن به کار رفته‌اند مشخص می‌شود (همان: ۳۶). ایزوتسو معتقد به داشتن معنای مطلق یا مستقل برای واژه‌ها مانند آنچه در معاجم نوشته می‌شود، نیست.

ایزوتسو معتقد است میدان‌های معنایی در هر متن، متشکل از سه گونه واژه است: «کلمات کانونی، کلمات کلیدی و کلمات فرعی. البته باید توجه داشت که این ویژگی‌ها در کلمات، از یک متن تا متن دیگر متفاوت است: ۱. کلمه کانونی کلمه‌ای است که وقتی در متن جست‌وجو می‌کنیم، آن را محور بسیاری از کلمات دیگر می‌بینیم که دائماً در نسبت با آن کلمه کانونی حضور پیدا می‌کنند؛ برای نمونه، ایزوتسو می‌گوید اگر کسی به متن قرآن مراجعه کند، می‌بیند کلماتی مانند الله و ایمان، کانونی هستند. ۲. وی برای کشف کلمات کلیدی نیز روش‌هایی را ذکر می‌کند. کلمات کلیدی کلماتی هستند که در رتبه دوم قرار دارند؛ یعنی بسامد بالایی دارند و با آن کلمات ارتباط زبان‌شناختی زیادی برقرار می‌شود؛ اما محوریت کلمات

کانونی را ندارند. ۳. پاره‌ای از واژه‌ها نیز کلمات فرعی هستند. این کلمات از لحاظ حجم، حضور کمرنگی در میدان معنایی دارند. این واژگان از نظر کیفیت نیز کاملاً در حاشیه بوده، فقط به افاده معنای سایر واژگان کمک می‌کنند» (زندى، ۱۳۹۵).

ایزوتسو برای روش تجزیه و تحلیل معنایی، هفت روش ارائه می‌کند:

۱. وقتی که معنای دقیق یک واژه به‌طور عینی از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن می‌شود. این چیزی است که به‌خوبی می‌توان بر آن نام «تعریف بافتی» یا «تعریف متنی» گذاشت.

۲. روش دیگر هنگامی است که واژه الف، جانشین واژه ب در بافتی یکسان یا در بافتی که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است، می‌شود، خواه بُرد آن بیشتر یا کمتر از واژه ب باشد.

۳. ساخت معنایی یک واژه و اصطلاح از روی متضاد آن معلوم می‌شود.

۴. ساخت معنایی یک واژه مبهم مانند X از روی صورت منفی آن X- روشن می‌شود.

۵. بهره‌گیری از «حوزه» یا «میدان معنایی» که به هر مجموعه‌ای از روابط معنایی دارای طرح، در میان دسته‌های مختلف واژه‌های یک زبان اطلاق می‌شود.

۶. کشف یک رابطه معنایی در میان دو واژه از طریق موازنه ساختمان دستوری یا ترادف عبارات.

۷. آشکار شدن جنبه‌های کاملاً مادی و ناسوتی واژگان از طریق استعمال آن‌ها در بافت‌های غیردینی قرآن (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۷۳-۸۳).

برخی زمینه‌های زبانی، همچون همنشینی واژگان مترادف‌نما، همنشینی واژگان لازم و ملزوم، بیان بدیهیات، عطف عام و خاص بر یکدیگر و تکرار یک واژه سبب شده است شماری از مفسران، عبارات قرآن کریم را به حشو و زیادت متّصف کنند؛ اما نباید از کنار آیات قرآن به‌سادگی عبور کرد، بلکه لازم است با ایمان به اوج

فصاحت و بلاغت قرآن کریم و دقت بسیار در گزینش واژگان آن، رازهای نهفته در پشت حرف حرف این کتاب الهی را فهمید (دهقانی فیروزآبادی و راد، ۱۳۹۵: ۸۰).
ما در این پژوهش، معنای قدیم واژه در دوره جاهلی را بررسی کرده، روش پنجم را که تناسب بیشتری با آیات نازل شده حاوی واژه در قرآن دارد، به کار می‌بندیم.
۳. معنای «زعم» در دوره جاهلی

با توجه به موضوع پژوهش، برای شناخت معنای دقیق واژه «زعم» در قرآن براساس دیدگاه ایزوتسو، شناخت پیشینه آن، یعنی بررسی در شعر جاهلی برای تأثیر در معنای قرآنی، ضروری به نظر می‌رسد.

ایزوتسو در کتاب *خدا و انسان در قرآن*، درخصوص بررسی تطوّر معنایی لغات می‌گوید: «من سه سطح معنی‌شناختی متفاوت را در تاریخ قدیم زبان عربی در نظر می‌گیرم: ۱. پیش از قرآن یا جاهلی؛ ۲. قرآنی؛ ۳. پس از قرآنی و بالخاصّه عباسی» (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۴۳).

نمونه‌هایی از اشعار جاهلی حاوی مشتقات واژه «زعم» بدین شرح است:

ألا زعمتُ بسباسه اليوم أننى
كبرتُ و أن لا يُحسِنُ اللهو أمثالی
(المصطاوی، ۱۴۲۵ ق: ۱۳۶)

(مگر نه این که بسباسه فکر کرد که من پیر و فرتوت گشته‌ام و چون منی را یارای
لهو و لعب نیست؟)

ألا زعمتُ بنو عبسِ بآنى
ألا كذبوا كبيرُ السنِّ فانِ
(عبدالساتر، ۱۴۱۶ ق: ۱۵۹)

(آیا نه اینکه بنو عبس به دروغ ادعا کرد که کهنسال (من) در معرض فنا و نابودی
هستم؟)

زَعَمَ الأحبُّ أن رحلتنا غداً
وبذاك خبرنا الغداف الأسود
(أشرف عدرة، ۱۴۱۴ ق: ۵۰)

دوستان گمان کردند که کوچ ما فردا خواهد بود و این خبر را کلاغ سیاه به ما رسانید.

رَعَمَا وَرَبِّ الْبَيْتِ لَيْسَ بِمَرَعَمٍ
عُلِّقْتُهَا عَرَضًا وَ أَقْتَلُ قَوْمَهَا
(التبریزی، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۲)

(ناگهان به او دل بستم و اهلش را خواهم کشت (اگر مانعم شوند). تو گمان می کنی که ادعایم باطل است؛ حال آنکه به خدای کعبه قسم ادعای باطل ندارم.)
آن گونه که از بافت معنایی حاصل از ابیات مذکور برمی آید، واژه «زعم» در نمونه های بالا معناهایی چون گمان کردن و ادعای باطل دارد که گاهی چون بیت دوم و چهارم، به دلیل همراهی قرینه هایی مانند «كذَّبُوا» و «وَرَبِّ الْبَيْتِ» که مؤکدهای لفظی هستند، معنای گمان باطل در آنها بیشتر به ذهن متبادر می شود و فرضیه معنای مذکور تقویت می شود.

نکته روشن در خصوص ترجمه واژگان این است که نمی توان واژه درون متنی را بدون توجه به واژگان هم نشینش ترجمه کرد که این امر درباره کلمه مورد بررسی در نمونه های مذکور هم صدق می کند. از این رو می توان چنین برداشت کرد که واژه «زعم» در این دوره اگر با قرینه صارفه ای همراه نشود، همان معنای گمان کردن و فکر کردن را می رساند؛ اما در مواردی که قرینه های لفظی یافت شود، معنای مورد نظر کمی شدیدتر و محکم تر خواهد شد.

کاربردهای دوگانه برای زعم در دوره جاهلی باعث شده است برخی پژوهشگران همان کاربردها را وارد دوره معاصر کنند. اسمعیلی زاده و سلمان نژاد در مقاله ای با عنوان «بازخوانی مفهوم شک در قرآن کریم»، نظر علامه طباطبایی را درباره «زعم» بیان کرده اند: زعم، اعتقاد به چیزی است چه مطابق با واقع باشد یا نباشد، برخلاف علم که به معنای اعتقاد مطابق با واقع است. از آنجا که زعم در موارد غیر مطابق با واقعیت به کار می رود، گمان می رود عدم مطابقت با واقعیت برگرفته از مفهوم واژه است؛ در حالی که این چنین نیست (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۴/۴۰۲). نویسندگان مقاله نتیجه گرفته اند

«شک» با «زعم» متفاوت است و وضعیت «شک» در صورتی که به خوبی مدیریت نشود، در دام «زعم» می‌افتد و در چنین شرایطی باید شاهد نوعی واکنش به وضعیت خنثای قبل (شک) بود. (اسمعیلی‌زاده و سلمان‌نژاد، ۱۳۹۶: ۴۹). در واقع آنان بین «شک» و «زعم» رابطه علی و معلولی قائل هستند.

باید توجه داشت کاربردهای قرآنی نشان می‌دهد فقط معنای «اعتقاد غیرمطابق واقع» برای «زعم» کاربرد دارد؛ بنابراین واژه دچار تطوّر معنایی شده و «اعتقاد مطابق واقع» از معنای آن حذف گردیده است؛ پس زعم = اعتقاد + خلاف واقع. بنابراین برخلاف نظر علامه، پس از نزول قرآن با توجه به کاربردهای واژه، عدم مطابقت با واقع در مفهوم آن گنجانده شده است.

۴. معنای نسبی «زعم» در قرآن

پس از بیان مبانی نظری و معنای لغوی «زعم»، آیات مشتمل بر واژه «زعم» و مشتقات آن استخراج گردیده، سپس برای رسیدن به پاسخ سؤالات پژوهش، به تحلیل آن یافته‌ها پرداخته شده است.

«برای ارجاع به یک چیز، می‌توان از واژگان مختلفی استفاده کرد که تفاوت آن‌ها در تعمیم یا تخصیص معنای آن‌هاست» (پهلوان‌نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۳). با جست‌وجو در قرآن می‌توان برای «زعم» انواعی قائل شد که تخصیص معنا را در پی دارد. نویسندگان به دنبال کاربرد واژه «زعم» در قرآن و بیان هدف هر کاربرد هستند.

۴-۱. گمان باطل در توحید نظری (جهل مرکب در شرک نظری)

این دسته آیات درباره کسانی سخن می‌گوید که برای خدا شریک قائل شده، به آن شراکت، اعتقاد کامل داشتند. قرآن این اعتقاد کامل آن‌ها را «زعم» خوانده است و به نوعی آن را مذمت می‌کند. در واقع از یک سو کسی که مبتلا به «زعم» است، آن را درست می‌پندارد و از سوی دیگر، حقیقت آن، باطل است. گمان‌کننده، مبتلا به جهل

مرکب است و می‌توان «زعم» را در ارتباطِ ترادف معنایی نسبی با جهل مرکب دانست. در این آیه، «زعم» از نوع گمان باطل در توحید نظری است.

«وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ؛

آن روز که همه آن‌ها را محشور می‌کنیم، سپس به مشرکان می‌گوییم: معبودهایتان که همتای خدا می‌پنداشتید، کجایند (چرا به یاری شما نمی‌شتابند؟)» (انعام: ۲۲).

«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ مَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ؛» (روز قیامت به آن‌ها گفته می‌شود) همه شما تنها (و با دو دست خالی) به سوی ما بازگشت نمودید، همان گونه که اولین بار شما را آفریدیم و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان رها کردید و شفیعیانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید، با شما نمی‌بینیم. پیوند شما بریده شده است و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید، از دست شما رفته است» (انعام: ۹۴).

این آیه، تنها آیه‌ای در قرآن است که مشتقات «زعم» دو بار در آن آمده است و زبان مبدأ با این تکرار، قصد تأکید بر باطل بودن شفاعت بت‌ها دارد و می‌باید در ترجمه به خوبی به آن پرداخته شده، نشان داده شود که این نوع اعتقاد (گمان شفاعت بت‌ها) قطعاً باطل است. مؤید این تأکید، با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن آیه «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳) است که شرک را ظلمی بزرگ می‌نامد.

۴-۲. گمان باطل در توحید عملی (جهل مرکب در شرک عملی)

در این نوع آیات، گمان باطل از گفتار مشرکان، پا را فراتر نهاده، خود را در رفتار آنان متجلی می‌سازد.

«وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛» آن‌ها [مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند (و سهمی برای بت‌ها!) و به گمان خود گفتند: این مال خداست و

این هم مال شرکای ما [یعنی بت‌ها] است. آنچه مال شرکای آن‌ها بود، به خدا نمی‌رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می‌رسید! (آری، اگر سهم بت‌ها با کمبودی مواجه می‌شد، مال خدا را به بت‌ها می‌دادند؛ اما عکس آن را مجاز نمی‌دانستند!) چه بد حکم می‌کنند (که علاوه بر شرک، حتی خدا را کمتر از بت‌ها می‌دانند) «انعام: ۱۳۶».

اتصال ضمیر «هم» به زعم، بیان می‌کند که گمان فقط نزد خود آن‌ها باطل است و بخشی از بار معنایی باطل بودن «زعم» بر دوش ضمیر متصل «هم» قرار گرفته است. مترجم می‌توانست واژه «بزعمهم» را به گمانشان معنی کند؛ اما با تغییر معنای «هم» از «شان» به «خود» و استفاده از گروه «گمان خود»، قرابت زیاد فعل و فاعل را نشان داده است.

۳-۴. گمان باطل در گفتار و اجرای احکام خرافی

نمونه این معنا را در آیه زیر و ترجمه آن شاهدیم:

«وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ و به گمان خود گفتند: این‌ها [که برای بت‌ها قرار داده‌ایم] دام‌ها و کشت‌هایی ممنوع است که آن‌ها را جز کسی که ما می‌خواهیم نباید بخورد و دام‌هایی است که سوار شدن بر آن‌ها حرام شده است و دام‌هایی است که [هنگام ذبح] به صرف افترا بر خدا، نام خدا را بر آن‌ها نمی‌برند. به زودی [خدا] آنان را به سبب افترایشان سزا خواهد داد» (انعام: ۱۳۸).

مکان قرار گرفتن «زعم» در آیه پس از دو فعل «قالوا» و «نشاء» نشان می‌دهد گمان باطل (اشتباه در اعتقاد) هم بر فعل گفتن و هم بر فعل خواستن بار شده است؛ یعنی «زعم» در این آیه از نوع گمان باطل در گفتن و اجرای احکام خرافی است.

۴-۴. اهانت به اعتقادات پیامبر

«أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بَالِغَهُ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا؛ یا قطعات (سنگ‌های) آسمان را - آن‌چنان که می‌پنداری- بر سر ما فرود آری یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری» (اسراء: ۹۲).

چنان‌که از آیات قبل برداشت شد، «زعم» نوعی گمان باطل است که فاعل از باطل بودن آن اطلاع ندارد. در این آیه، پروردگار قول برخی از مردم را که به پیامبر ایمان نمی‌آورند، نقل می‌کند که آنان با جسارت، بی‌ادبانه از پیامبر تقاضای نعمت یا عذاب نموده، اعتقادات پیامبر را «زعم» می‌دانند. در واقع با استفاده از این واژه کنایی، به پیامبر اهانت می‌کنند.

در این آیه، «زعم» به مفهوم نسبت دادن گمان باطل به اعتقادات راسخ پیامبر آمده است.

۴-۵. گمان باطل در معاد

بررسی متون قرآن نشان می‌دهد در ۲ آیه واژه «زعم» برای اشاره به گمان باطل در نبود معاد به کار رفته است.

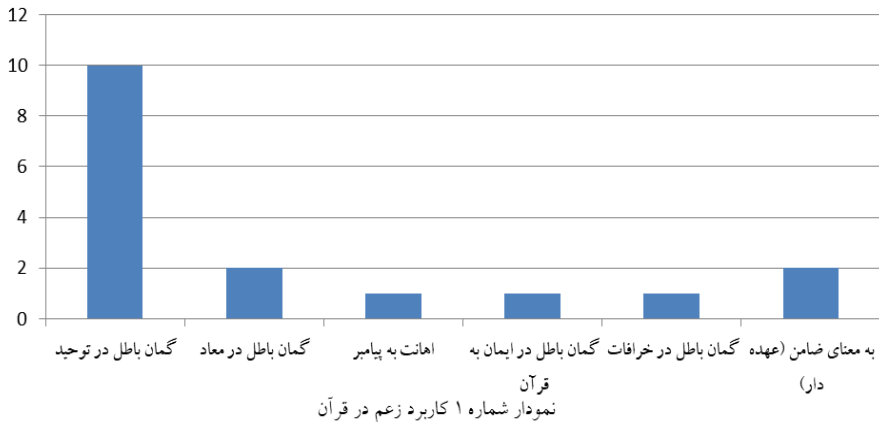
«وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا؛ آن‌ها همه در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می‌شوند (و به آنان گفته می‌شود): همگی نزد ما آمدید، همان‌گونه که نخستین بار شما را آفریدیم؛ اما شما گمان می‌کردید ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد» (کهف: ۴۸).

در تفسیر نمونه برای توضیح این آیه آمده است: «این تعبیر ممکن است اشاره به آن باشد که هر گروهی از مردم که عقیده واحد یا عمل مشابهی دارند، در یک صف قرار می‌گیرند و یا اینکه همگی بدون هیچ‌گونه تفاوت و امتیاز در یک صف قرار خواهند گرفت» (مکارم، ۱۳۷۱: ۴۵۲/۱۲).

با توجه به معنای دقیق واژه «زعم» می‌توان نظر دوم را مردود دانست؛ زیرا گمان باطل که خدا آن فعل را برای مخاطبان خود در روز قیامت به کار خواهد برد، شامل حال انبیا، ائمه معصومین، صدیقین و صالحین نخواهد شد.

«زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو آری به پروردگارم سوگند که همه شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، سپس آنچه را عمل می‌کردید به شما خبر داده می‌شود و این برای خداوند آسان است» (تغابن: ۷).

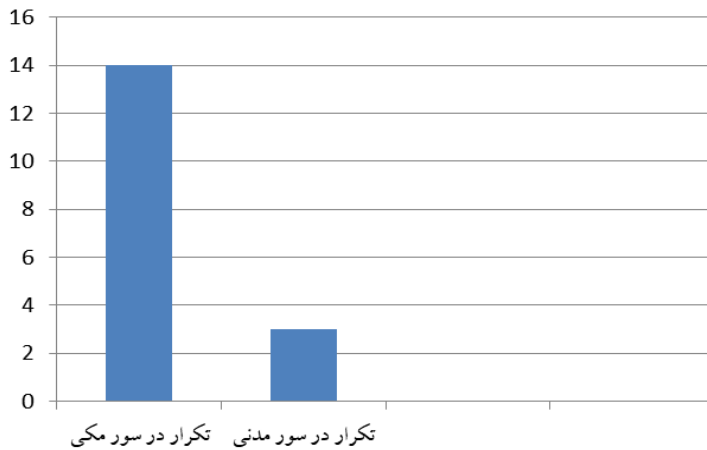
جمع‌بندی موارد قبلی نشان می‌دهد قرآن واژه «زعم» را در موارد زیر به کار برده است: گمان باطل در توحید، گمان باطل در نبود معاد، نسبت زعم به پیامبر اسلام و اعتقادات ایشان، گمان باطل در ایمان به قرآن، گمان باطل در داشتن خرافات، زعیم به معنای ضامن یا عهده‌دار.



اصول دین (توحید، معاد، نبوت) مبانی اعتقادی مسلمانان را دسته‌بندی می‌کند. پایبندی به اصول اشاره‌شده باید با تحقیق و بررسی حاصل شود. در ترتیب اصول دین، توحید (ایمان به خدای یکتا) در صدر قرار دارد و شروع وجه افتراقات عقاید مسلمانان با سایر ادیان است، سپس معاد و نبوت در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

از بررسی نمودار به دست می‌آید که تکرار کاربرد واژه «زعم» و مشتقات آن در حوزه توحید، معاد و نبوت با اولویت آن‌ها در اصول دین ارتباط منطقی دارد؛ یعنی کاربرد این واژه در حوزه توحید (۱۰ بار)، بیشتر از معاد (۲ بار) و در حوزه معاد، بیشتر از نبوت (۱ بار) است.

اگر معنای شک را گمان بدانیم، می‌توان گفت تفاوت «شک» با «زعم» در این است که در شک، سخن از درست یا باطل بودن است و ممکن است شک، درست یا باطل باشد و علم فاعل برای تشخیص یا گرایش به میزان درست یا باطل بودن شک برابر است؛ اما «زعم» سراسر گمان باطل است و فاعل از باطل بودن گمان خود آگاه نیست. در واقع می‌توان «زعم» را نوعی جهل مرکب دانست که قرآن آن را برای کسانی که ضمیر ناپاک دارند به کار می‌برد.



نمودار شماره ۲ تفکیک توزیع تکرار

واژه «زعم» و مشتقات آن در سوره‌های مکی ۱۴ بار و در سوره‌های مدنی ۳ بار به کار رفته است. به بیان دیگر، تکرار آن در سوره‌های مکی تقریباً ۵ برابر تکرار در

سوره‌های مدنی است؛ یعنی در سوره‌های مکی ۸۲,۳٪ و در سوره‌های مدنی ۱۷,۷٪ از کل را شامل می‌شود.

با نظر به محتوای سوره‌های مکی و مدنی، این‌گونه برداشت می‌شود که آیات سوره‌های مکی بیشتر به توحید و پاک‌سازی جامعه از بت‌پرستی و شرک نظر دارند. از طرف دیگر، بیان قوانین شهری، قضایی، اجتماعی، دولتی، جنگ و صلح، مهم‌ترین ویژگی آیات مدنی محسوب می‌شود.

بنابراین با توجه به معنای لغوی واژه «زعم» که «گمان باطل» ترجمه می‌شود، بسامد بیشتر در سوره‌های مکی نسبت به سوره‌های مدنی قابل توجه است؛ زیرا اساساً گمان باطل در اعتقادات وجود دارد؛ اعتقاداتی که مربوط به یگانگی پروردگار و رد شرک، وجود روز رستاخیز، نبوت پیامبران و... است. البته از بررسی سه آیه دارای میدان معنایی «زعم» که در سوره‌های مدنی وجود دارند نیز گمان باطل برای نشان دادن ایمان منافقان به قرآن، دوستی انحصاری یهود با خداوند و اعتقاد کفار به عدم برانگیختگی پس از مرگ آمده است که همانا مفاهیمی از جنس اصول دین هستند.

۵. روابط معنایی در میدان معنایی «زعم»

همان‌گونه در بخش مبانی نظری بیان شد، ایزوتسو هفت روش را برای تعیین معنای یک واژه در قرآن مشخص می‌کند؛ یعنی واژه‌هایی در یک بافت واحد می‌آیند و بدین طریق میان آن‌ها ارتباط معنایی ایجاد می‌شود.

«از طریق تفاوت‌ها، تقابل‌ها، روابط جانشینی و همنشینی عناصر موجود در یک بافت زبانی می‌توان به معنای کلیدی کلمات پی برد. معنا از راه ساختارهای واحد زبانی، یعنی قرار گرفتن در ساختارهای گوناگون و مجاورت با واحدهای دیگر آن مشخص می‌شود. بی‌تردید فهم و دریافت معانی قرآن نیز بر شناخت و درک روابط معنایی واژگان استوار است» (نورسیده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

بنابراین به دنبال واژه‌هایی هستیم که در بافت معنایی «زعم» در قرآن وارد شده که پیدا کردن هر یک، کمک ویژه‌ای به شناخت معنای درست واژه می‌کند.

۵-۱. رابطه علی و معلولی

یکی از قوانین حاکم بر نظام خلقت، قانون علت و معلول است. هر معلولی بر اثر علتی به وجود آمده است و هر علتی منجر به معلولی می‌شود.
«اصل علت و معلول، از معروف‌ترین و پذیرفته‌ترین اصول حاکم بر جهان است. در واژگان نیز تأثیر این رابطه آشکار است» (پهلوان‌نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

در واژگان میدان معنایی «زعم» نیز این رابطه به چشم می‌خورد و می‌توان «زعم» را علت به حساب آورد و معلول‌های آن را به چند دسته تقسیم کرد.

۵-۱-۱. گمان باطل منجر به تحاکم نزد طاغوت

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه (از کتاب‌های آسمانی که) بر تو و پیش از تو نازل شده، ایمان آورده‌اند؛ در حالی که می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آن‌ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند؛ اما شیطان می‌خواهد آنان را در گمراهی دوری بیفکند» (نساء: ۶۰).

در شأن نزول این آیه، از یک منافق به‌عنوان مرجع عبارت «الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» یاد شده است. می‌توان از هم‌نشینی زعم، تحاکم الی الطاغوت و ضلالت، این‌گونه برداشت کرد که نتیجه «زعم» در ایمان به قرآن، نفاق است. پس «زعم» در ایمان به قرآن (نفاق)، بردن داوری به نزد طاغوت و نهایتاً گمراهی در پی خواهد داشت. پس در این آیه، «زعم» منجر به گمان باطل در ایمان به قرآن و عدم اعتماد به پیامبر است.

این آیه نشان می‌دهد بین «زعم» و تحاکم الی الطاغوت و ضلالت، رابطه علی و معلولی وجود دارد؛ یعنی «زعم» (گمان باطل در ایمان به قرآن) سرچشمه و علت بردن داوری به نزد طاغوت است و درنهایت نیز داوری توسط طاغوت، به ضلالت ختم می‌شود.

۵-۱-۲. گمان باطل منجر به شرک عملی

یکی از معلول‌های «زعم»، شرک عملی است؛ یعنی «زعم» منجر به تجلی شرک در رفتار یا گفتاری شود. این موضوع را می‌توان در آیه زیر مشاهده کرد:

«وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْقِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا...! آن‌ها [مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند (و سهمی برای بت‌ها) و به گمان خود گفتند: «این مال خداست و این هم مال شرکای ما [یعنی بت‌ها] است» (انعام: ۱۳۶).

آیه به رفتار و گفتار مشرکان مگه اشاره دارد که در اثر «زعم» ایجاد شده بود و در عمل خود، برای بت‌ها سهمی قائل شده، برای خدا نیز سهمی کنار می‌گذاشتند.

۵-۱-۳. گمان باطل منجر به ظلم

«قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ لَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ بگو ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدایید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)؛ ولی آنان به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند و خداوند ستمگران را به‌خوبی می‌شناسد» (جمعه: ۶-۷).

قوم یهود به دلیل اعتقادات و گمان باطل، خود را فرزندان خدا می‌دانستند. همچنین وجود کلمه «أَنَّ» نشان‌دهنده اعتقاد بر انحصاری بودن دوستی ایشان با خداست و طبیعتاً در نتیجه این انحصار، این انحراف نیز برای آنان پیش می‌آمد که خدا نیز تنها با آنان دوستی خواهد کرد؛ یعنی آن‌ها در این رابطه، تناظر یک به یک قائل می‌شدند و تنها خود را دوستدار خدا می‌دانستند و گمان باطل داشتند که خدا نیز تنها دوستدار آن‌هاست. در آیه بعد، خداوند از قوم یهود مخاطب آیه به‌عنوان «ظالمین» یاد می‌کند؛ بنابراین یکی دیگر از معلول‌های «زعم»، ظلم است.

۵-۲. رابطه همنشینی

زبان از واحدهای مختلف در سطوحی گوناگون تشکیل شده است. کنار هم آمدن (با فاصله یا بی فاصله) و تولید واحدهای زبانی در سطح بالاتر را همنشینی می‌گویند. به نوع خاص بی فاصله، «باهم آبی» گفته می‌شود. در میدان معنایی «زعم» چهار دسته کلمات همنشین مشخص شده که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

۵-۲-۱. همنشینی با شرک، کفر و هود

در ۷ آیه از ۱۷ آیه مشتمل بر مشتقات «زعم»، مشتقات «شرک» (از نوع عملی و نظری) ذکر شده است. به کمک نظریه ایزوتسو می‌توان این واژه را نیز در میدان معنایی «زعم» از نوع کلیدی در نظر گرفت.

از طرفی، در میدان معنایی زعم، دو بار همنشینی با مشتقات «کفر» و یک بار همنشینی با مشتقات «هود» دیده می‌شود.

از معناشناسی واژه «زعم» و واژه‌های همنشین آن می‌توان گفت قرآن «زعم» را به سه دسته مشرکین، کافرین و یهود نسبت داده است. در این دسته‌بندی، بسامد تکرار این سه واژه، سیر منطقی خود را حفظ کرده و بیشترین تکرار با واژه «شرک» آمده است و واژه‌های «کفر» و «هود» در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

قرآن با بیان آیه «إِنَّ الشُّرْكَاءَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)، بالاترین گناه نابخشودنی را شرک می‌داند. از سوی دیگر، کافران حقیقت یکتایی پروردگار را پوشانده و قوم یهود افرادی بودند که یگانگی پروردگار را قبول داشتند، ولی به خاطر منافع خود حاضر به پذیرش حقانیت دین اسلام نبودند.

ایزوتسو از اصطلاحی با عنوان «جهان‌بینی معنایی» یاد می‌کند؛ بدین معنا که می‌شود نگاه و بینش انسان را از طریق معنای درون زبان تشخیص داد (زند، ۱۳۹۵).

بنابراین با نگاه از پنجره «زعم» می‌توان عناصر مخالف پیامبر را در صدر اسلام سه دسته پیش گفته دانست که سرسخت‌ترین آن‌ها مشرکین، سپس کافرین و بعد یهود بوده‌اند.

۵-۲-۲. همنشینی «زعم» با فعل ناقصه «کان»

در چهار آیه از جامعه آماری، ریشه «زعم» به صورت «كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» آمده است. همنشینی کان و فعل مضارع در زبان عربی بیانگر معنای استمرار است و برای فعلی که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار شده، به کار می‌رود. با وجود واژه «كُنْتُمْ» در میدان معنایی «زعم» می‌توان گفت این کلمه از نوعی است که در ترجمه آیات به مدد مترجم می‌آید؛ یعنی براساس نظریه ایزوتسو به خاطر تکرار کم و کمک به معنای سایر واژگان باید آن را کلمه فرعی فرض کرد. با کمک این کلمه فرعی و ترجمه درست آن، فضای حاکم در زبان مبدأ به خوبی به زبان مقصد منتقل می‌شود.

بنابراین استمرار در زعم نشان می‌دهد «زعم» زمان شروعی دارد و پس از سپری کردن یک بازه زمانی از حیاتش، عمرش به پایان می‌رسد.

۵-۲-۳. همنشینی با افعال از ریشه «قول» و «ندی»

در یافته‌های قرآنی مشاهده می‌شود افعال با ریشه «قول» ۱۱ مرتبه و افعال با ریشه «ندی» ۳ مرتبه در میدان معنایی مورد پژوهش با مشتقات «زعم» همنشین شده‌اند. می‌توان این گونه برداشت کرد که منطبق با نظریه میدان معنایی ایزوتسو، افعالی با ریشه «قول» و «ندی» در میدان معنایی «زعم» از نوع کلمات کلیدی هستند؛ زیرا در ترجمه سایر کلمات نقش مهمی دارند.

علاوه بر آنچه گفته شد، از میان ۱۷ مورد تکرار مشتقات «زعم» در قرآن، ۱۳ کلمه از نوع فعل (۱۱ صیغه مخاطب و ۲ صیغه غایب)، ۴ کلمه از نوع اسم (۲ مورد مضاف به ضمیر متصل «هم»، ۱ مورد برای تشریح حالت متکلم و ۱ مورد برای تشریح وضعیت غایب) به کار رفته است.

۱۱ مرتبه کاربرد فعل از ریشه «زعم» در حالت مخاطب و همنشینی با افعال با ریشه قول و ندی در میدان معنایی زعم، بیانگر آن است که در این میدان معنایی، نوعی فضای پرس و جو، بازخواست، محاکمه و حسابرسی روز قیامت برقرار بوده و یادآور

اعتقادات باطل و انحراف، به‌ویژه در اصول دین است. پس انسانی که مبتلا به «زعم» می‌شود، مسئولیت زیادی در خصوص اشتباه خود خواهد داشت.

۴-۲-۵. همنشینی با ضمایر و اسم موصول جمع

از لحاظ صرفی، زبان عربی برای جمع بستن افعال، از ضمایر فاعلی متصل جمع (و، ن، تم، تن، نا) بهره می‌گیرد. در میدان معنایی مورد بررسی، برخی از ضمایر مذکور ۱۱ بار وارده شده و افعال جمع را ساخته‌اند. یک بار از کلمات مورد بررسی به صورت «زعمهم» به کار رفته که ضمیر جمع به اسم اضافه شده است.

همچنین در آیه «زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا...» (تغابن: ۷)، اطلاق آیه بر دسته کفار است و به دلیل قرار گرفتن فعل «زعم» در ابتدای جمله، برای رعایت قاعده نحوی (عدم تکرار فاعل)، فعل به صورت مفرد به کار رفته، ماهیت اصلی آن جمع است. از سوی دیگر، در ۱۰ آیه حاوی میدان معنایی «زعم»، کلمه‌الذین با واژه «زعم» همراه شده است.

می‌توان گفت گمان باطل بر گروه انسان‌های مبتلا به این پدیده، تأثیر بیشتری گذاشته تا یک فرد و قرآن با این نوع کاربرد در حالت جمع، تقلید کورکورانه در عقاید (اصول دین) را باطل می‌شمارد.

بهره دیگری که از جمع بودن واژه‌ها در میدان معنایی به دست می‌آید، این است که افراد با یکدیگر بازخواست شده، مورد خطاب قرار می‌گیرند. مقلد و مقلد باطل، در یک سطح و با هم برانگیخته می‌شوند. بهترین عبارت برای اثبات این ادعا، این آیه است: «وَعَرَضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا» (کهف: ۴۸) که به گمان باطل گروهی عده‌ای به نبود معاد اشاره دارد.

نتیجه گیری

- براساس آنچه ایزوتسو به آن معتقد است، واژه‌ها در هر میدان معنایی به سه دسته (کانونی، کلیدی و فرعی) تقسیم می‌شوند. بنابراین ممکن است یک واژه در یک میدان معنایی از یک نوع و در میدان معنایی دیگر از نوعی دیگر باشد. در میدان معنایی زعم، واژه «زعم» از نوع کانونی است و واژه «شک» را که از بسامد بالایی برخوردار است، ولی اهمیت آن به اندازه «زعم» نیست، از نوع کلیدی و واژه‌هایی همچون افعال از ریشه «قول و ندی، کنتم، الذین» از نوع فرعی هستند؛ زیرا اهمیت آن‌ها به اندازه دو نوع اول نیست؛ ولی برای رسیدن به ترجمه درست، انتقال پیام و حواشی زمینه‌ای پیام، نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

- «زعم»، گفتاری باطل یا دروغ است و بر این اساس، قید کلمه «باطل» یا «دروغ» در ترجمه، تأثیر بسیار دارد و در برخی آیات که ناظر بر صحنه‌های روز قیامت و مشابه آن است، حذف آن کلمه‌ها لطمه زیادی به درک پیام توسط خواننده یا شنونده می‌زند. هرچند تعدادی از مترجمان برای واژه «زعم» از معادل‌هایی همچون تصور، شک، گمان و... که بازگوکننده میزان اطمینان هستند، استفاده کرده‌اند، جنس واژه «زعم» از آن نوع واژگان که نشان‌دهنده درصدی از میزان اطمینان از صفر تا صد باشند، نیست و معنای درست آن، «گمان باطل» است.

- در قرآن از ریشه «زعم» برای گمان باطل به یگانگی پروردگار، گمان باطل در نبود معاد و گمان باطل در گفتار و رفتار خرافی استفاده شده است. براساس ماهیت معنا و کاربرد «زعم» در قرآن، بسامد تکرار در سوره‌های مکی که تقریباً ۵ برابر سوره‌های مدنی است، با توجه به محتوای آیات، قابل توجیه است.

- وجه شباهت و افتراق «زعم» با «شک» در آن است که در شک، فاعل اصطلاحاً بین حالت پنجاه پنجاه معلّق است؛ اما در زعم، فاعل اعتقاد ۱۰۰ درصدی دارد؛ در حالی که اعتقاد وی سرتاسر باطل و نادرست است.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۹۵)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی.
- اسمعیلی‌زاده، عباس و مرتضی سلمان‌نژاد (۱۳۹۶)، بازخوانی مفهوم شک در قرآن کریم، دوفصلنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۰، صص ۳۵-۶۰.
- اشرف عدره، احمد (۱۴۱۴ ق)، دیوان عبید بن الأبرص، چ ۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ ۳، تهران: فرزاد روز.
- _____ (۱۳۹۶)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چ ۱۱، تهران: سهامی انتشار.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و علیرضا سزاوار (۱۳۸۷)، معناشناسی قرآن، مطالعه موردی سوره جمعه، قیاسات، شماره ۵۰، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- التبریزی، الخطیب (۱۴۱۲ ق)، شرح دیوان عنتره، چ ۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- جواهری، سید محمدحسن (۱۳۹۷)، روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم، چ ۵، قم: سبحان.
- حائری یزدی، مهدی (۱۳۶۰)، کاوش‌های عقل‌نظری، چ ۲، تهران: سهامی انتشار.
- خانجان، علیرضا (۱۳۹۳)، انواع معنا در ترجمه، فصلنامه مترجم، شماره ۵۵، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- دهقانی فیروزآبادی، حامد و علی راد (۱۳۹۵)، بررسی انتقادی دیدگاه وقوع حشو در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۱۴، صص ۶۱-۸۴.
- روحی برندق، کاووس، علی حاجی‌خانی و محسن فریادرس (۱۳۹۶)، واکاوی و ارزیابی مفردات قرآن، مطالعه موردی ماده ظن، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۸، صص ۷۳-۱۰۴.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۴)، نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن، پژوهش دینی، شماره ۱۲، صص ۲۶۷-۲۸۴.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ ق)، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه، ج ۱۵، چ ۴، دمشق: دارالرشید.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰)، معناشناسی ظن در قرآن کریم، کتاب قیم، شماره ۱، صص ۶۴-۴۱.

- عبدالساتر، عباس (۱۴۱۶ ق)، دیوان النابغه الذیانی، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- فارابی، ابونصر (۱۴۰۸ ق)، المنطقیات للفارابی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، ج ۱، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی.

- المصطاوی، عبدالرحمن (۱۴۲۵ ق)، دیوان امری القیس، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- نورسیده، علی‌اکبر و ابوالفضل ترابی (۱۳۹۹)، معناشناسی واژه مریه و مشتقات آن در قرآن کریم براساس نظریه ایزوتسو با نقدی بر ترجمه مکارم شیرازی، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱۷، صص ۱۰۳-۱۲۴.

- نورسیده، علی‌اکبر، فیض‌الله‌زاده، عبدعلی و جواد ماستری فراهانی (۱۳۹۲)، معناشناسی واژه ولی

در قرآن کریم، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۶۸.

- پایگاه اینترنتی ویکی‌فقه دانشنامه حوزوی، به آدرس www.wikifqh.ir، بخش تصوّر و تصدیق.

- زندگی، محسن (۱۳۹۵)، چکیده‌ای از نظریه میدان معنایی ایزوتسو در تشخیص معنای

واژگان دینی، <http://dinonline.com/doc/article/fa/6603/>.

